بسم الله الرحمن الرحیم

چون گوهریان غواصان فصاحت نشان از عمان فکر بکف می آرند حمد و شکر خالق الست جل شانه که جوهر
جان انسان را گوهر نطق از سایر حیوانات ممتاز گردانیده انواع جواهر رنگارنگ علوم و معارف را
در صدف دل و کان سینه پوشیده آن از اخت و خوشترین جوهری که جوهریان جادو بیان از معدن دل
استخراج نمایند درود و ستایش آن معدن گوهر شب چراغ است که پرتو انوار وجودش دیده آفرینش را چو قمر روشن نموده
نسیم ریاحین خلقش دماغ جان و جانیان معطر و عنبرین ساخت صلوة الله علیه وعلی آله واصحابه اجمعین اما
بعد چنین گوید راقم این حروف حکیم محمد شریف خان ابن حاذق الملک حکیم محمد اکمل خان که چون امر اشرف
اقدس بندگان اعلی حضرت گوهر شاه در آفرینش سلطنت الماس ابدار کان شجاعت دری بیتای عمان سخاوت
یاقوت زمانی تاج حشمت افتاب عالمتاب آسمان قدر و منزلت لعل بدخشان معدن عدالت که در عهد عدل
بر ذی بستان گستر خانه میکند و گرگ از دامن خود قبای سر گوسفند را شانه میکند ابیات بحکم بجوری فریدون
در زمانش بندی بگوی به بینش چاکرانش اگر در بزم خود بیداد بارش سکندر رومی نگین خواجه و آتش
اگر دارا در فغفور حبش است به بینش تخت اورد بر زمین است ازان روسر کرده خسروان است که نور
دیده صاحبقران است جهان بخشی بهشت میراث از جهان گیر کنند اکنون ملوک خلق تسخیر ازان رو
در قبال جان جهان است که بخشش میراث از شاه جهان است بسر فرق تاج عالم گیر زیبا گفت زمانش
سلطنت را پای برجا است وجودش زینت فخر نسل آدم ازان گردیده ناحق شاه عالم عدلش
در عدالت در جهان بنشست ازان شد شهرت نوشیروان پست بعد تمش سکه عالم گشت آباد
جهان را عدل کسری رفت از یاد اعنی دادگستری جالی گوهر شاه شهنشاه و دهنت پرور گوهرهای
جواهر خانه تدبیر جوهر شمشیر آبدار بتهور و اورنه داد از دور زمان مالک ملک هندوستان جمجاه دارای
سپاه پادشاه دین پناه ملک خورشید افسر افتاب ذره پرور سلطان جم خدم خسرو سلیمان حشم
نیر اعظم آسمان عظمت ماه منیر سپهر رفعت شاهنشاه معظم شاه عالم پادشاه خلد الله ملکه و سلطانه
باین ذره بی مقدار عز صدور یافت که خواص جواهر را بغرض بار یافتگان حضور لازم النور
رساند لهذا از رساله خواص الجواهر را که تالیف این احقر است تلخیص و انتخاب کرده بمناسبت
اسم سامی و نام نامی بحضرت تحفه عالم شاهی موسوم ساخته امید از تحفه این محقر قابل از جهان تحفل
مقصود فیض گنجور بشنت یابد تا مثلها در قصه سلیمان و مور و محوالی الملوک اعتذار و درین امر جسارت نموده

از دوام خیر دارد و انق است که بنده وقبول بسد الله قریب مجیب. فصل در خاصیت الماس الماس
سرد است در درجه چهارم و خشک است و بعضی گویند گرم است در چهارم تعلیق او مقوی دل و دافع خوف
و باعث سرعت ولادت و غلبه بر خصم و مسدس او مانع صرع و البته او از اختلاط قدر و مرتبه و اثر
وآفات وجمیع بلیها مصون می باشد و اگر از طلا انگشتری ساخته نگین او را الماس بکنند و بپوشند
تا بر طرف دست چپ به بندند همین اثر دارد و نگاه داشتن قطعه الماس با خود باعث ایمنی از صاعقه و اگر
بر اطفال ببندند از صرع محفوظ مانند و نیک خو شوند و گذاشتن او بر دهان معتب او است تغیر کلفتی و بستن
او بر شکم برای شکستن ... رفع فساد معده و تقویت آن مفید و خوردن الماس سوده موجب هلاک
است و مداومت او قی و تنگ از آشامیدن کثیر کاه و خوردن او حق است و اینکه در چشمه های معادن
الماس است اگر صاحب جذام و فالج برزند با آن غسل فرمایند موجب برای او شود و هر که یک دفعه از آن
بخورد در اکمال حذاقت بهم رساند. فصل در بسد یعنی مرجان است در درجه اول سرد و در دوم خشک است
از خواص او یکی که چون برگردن مصروع و پای متغرس تعلیق نمایند نفع دهد صاحب تحفة المؤمنین گوید
چون طلا ... از ریگ بقدر یک سدس درهم گرفته انگشتری با نگین ذاتی ترتیب دهند و بسد را در آن
نصب کنند ... در حد اتحاد خود معارضت با زهره ... باشد و با خود نگاه دارند در حال
صرع قطع شود و دارنده او را ایذا ... نرسد و از چشم بد ایمن باشد و اگر بسد را در گردن صاحب وجع
مفاصل تعلیق نمایند موجب تسکین درد شود. فصل در زبرجد زمرد در درجه دوم سرد و در سوم
خشک است و از خواص او است که حامل آن ... روزی ... و نگاه داشتن او با خود تقویت دل
و دور ... جانوران موحش دیدن آن افعی ... مقوی معده و موجب ... و تعلیق او بر معده
و معده جهت رفع ضعف معده ... الدم و تعلیق او بر گردن ... جهت
اطفال از سحر و ... برای سرعت ولادت نافع و ... جانوران ... رافع ... موجب
... انگشتری او جهت منع حدوث صرع ... مصروع نباشد ... بعضی
جهت ملوک ... ولادت تعلیق ... چون ... وقتیکه قمر در برج میزان باشد
انگشتری از آن بسازند حامل آن جانوران موحش در شب نه بیند ... و چون خاتم طلا باشد
جهت رفع طاعون مفید و چون ... انگشتری ممزوج از طلا و نقره که ... مثقال باشد
نصب نمایند در طالع میزان و آفتاب در برج ... باشد ... مقبول ... و هیبت در نظر ها
... محبت ... و گویند چون افعی بر زمرد فائق نظر کند کور شود و ...

و درین باب مشاهده خود نقل کرده لکن حضرت همایون پادشاه اسکنه الله فی فرادیس الجنان که در بعضی رسایل
خود مرقوم فرموده اند که در بلاد هند مسموع میشد که مار چشم افعی را کور میکند ما بدولت در صدد امتحان و تجربه این
بودیم لیکن چون در هند افعی نمی باشد ازین جهت حصول این معنی در حیز توقف بود در وقتی که بلاد عراق از
گرد موکب همایون رشک عنبر شد بسمع اشرف اقدس ما رسید که در کوهستان ری افاعی بسیار متوطن
اند بجهت امتحان یک افعی را طلبیده فرمودیم که قطعه زمرد فایق را که در سرکار والا بود متصل بچشم افعی
کنند اثر شنیع بچشم او نرسید بعد ازان امر کردیم که آن قطعه را بچشم او مالند تا زمانی [illegible] نمودیم
که از مرور [illegible] در چشم آن افعی [illegible] الجواهر [illegible] چشم افعی [illegible] کور نشد و در احادیث
وارد شده که انگشتری زمرد در دست کردن موجب آسانی که در آن هیچ دشواری نباشد و الفقر در دست
که انگشتری زمرد در دست و نقش فقر را توانگری مبدل میکند فصل زبرجد در سیوم سرد و خشک از
خواص اوست که لابس او از دیدنها مصون و محروس می باشد و [illegible] آسانی می یابد تعلیق او
جهت عسر ولادت و نفث الدم و اسهال دمی و غیره برای دفع صرع نافع و چون صورت قمر [illegible] و دران
نقش کنند [illegible] باشد انگشتری ازان ساخته در [illegible] کنند [illegible] نافع و از ازاله
[illegible] و چون در طالع سرطان بران صورت ماهی نقش کرده در [illegible] در دم ماهی نصب
کنند ماهیان از قعر بحر بدام آیند و گویند اگر آب در جام زبرجد [illegible] کنند [illegible] نظر [illegible]
و موجب جلای آن و چشم [illegible] و تعلیق در گردن دفع صرع و چون شکل سفینه بران نقش کرده در سفر
داشته باشد [illegible] نگه دارد و از حضرت امام رضا علیه السلام مروی است که انگشتری زبرجد
در دست کردن موجب آسانی است که در آن هیچ دشواری نباشد فصل عقیق عقیق در دوم سرد
و خشک است از ملابس ملوک است و از خواص اوست که لابس او از بلایا محفوظ باشد [illegible] نگاه داشتن
با خود مبارک [illegible] و بان تفأل کنند ارسطاطالیس گوید عقیق سرخ که برنگ [illegible] باشد که از گوشت
[illegible] جگر [illegible] و خطوط سفید خفی می باشد اگر ازان خاتم نمایند یا تعلیق کنند [illegible] خود نگاه دارند
از دشمنان [illegible] شوند و [illegible] فیروز [illegible] باشند یا شخصی باشد در مصاف حاضر باشد و از اتفاق روزگار
انهدام در لشکر او یافته همه باز [illegible] فرار در پیش گیرند و این شخص نجات خود در فرار نبیند خود را در میان
لشکرهای [illegible] اندازد هر که از لشکر مخالف برو بگذرد او را مانند مقتول که در صف [illegible] بوده باشد [illegible] نماید
و ازو کناره گیرد و [illegible] نجات یابد فصل
در [illegible] در سیوم [illegible] و از خواص [illegible] است که [illegible]

تیره صاف می‌باید و باید که نگین را اگر که ریش شود و ملاقات عرق و روغنها و دسومات و مشک نشود و مبطل
لون و تغییر حسن و صفای اوست بالجمله ابن بیطار و دیگران از ارسطاطالیس نقل نموده اند که هرگاه
از رنگ خود برگردد و متغیر شود و نوشیدن آن و تختم بآن برای راس ردی است و بهمین سبب پادشاهان
بآن فیروزه را ذخیره می‌نمایند و نمی‌پوشند زیرا که هیبت ایشان را از نظر مردم کم می‌کنند راقم گوید که
این کلام معارض کلامی است که احمد تیفاشی از رساله که ارسطاطالیس در تذکره برای اسکندر
نوشته است نقل کرده که این حجر از اهبهٔ ملوک عجم می‌پوشیدند و قلاده از آن می‌ساختند و در جمیع
آن استکبار می‌نمودند و در حدیث نیز خواص و منافع فیروزه وارد است با این اعتبار قول
ثانی معتبر است و نیز از خواص فیروزه است که دارنده او از قتل و غرق و صاعقه محفوظ می‌باشد
و کسی که فیروزه با خود دارد بر دشمن ظفر یابد و در نظر مردم عزیز و از چشم زخم محفوظ می‌باشد و دیدن
او مقوی دل و دافع خوف است و اکثار نظر بآن تقویت بصر می‌کند و کسی که بامداد نگاه بر فیروزه
نگاه کند آن روز انبساط و نشاط حالی برو بگذرد و گویند حکمای سابق در هنگام رؤیت ماه نو نیز
نگاه می‌کردند و اگر انگشتری فیروزه با خود در رشته باشد مار و عقرب با و نزدیکی نکنند و از حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و سلم روایت شده که خداوند عالمیان شرم دارد که دستی را که بسوی
بلند شود بدعا و در آن دست انگشتری فیروزه باشد پس او را نا امید گرداند و از کلام معجز نظام حضرت
اسد الله الغالب علیه السلام مستفاد است که انگشتری فیروزه در دست داشتن موجب فتوحات و فیروزی
است و نیز در حدیث وارد شده که انگشتری فیروزه چشم را قوت میدهد و سینه را گشاده می‌کند و قوت
دل را زیاده می‌کند و چون بکاری رود و آن را در دست کند چون برگردد حاجتش برآورده باشد
فصل لاجورد در اول گرم و معتدل و در اول سرد و در دوم خشک است و از خواص اوست
که اگر بر اطفال بندند دفع تکثر کند و تعلیق او رافع خوف و مفرح و مقوی دل است فصل لعل خواص
لعل قریب بخواص یاقوت است و اگر با خود دارند از احتلام محفوظ مانند و خوابهای پریشان نه بینند و اگر
بر کودکان بندند در خواب نترسند و بدخوی نکنند فصل لولو در آخر دوم سرد و خشک است تعلیق
آن و نگاه در آن کردن مفرح و مقوی قلب و در دهان داشتن او جهت تفریح و ازاله غم و هم و ضعف دل مجرب است
فصل مرجان مرجان فرحان و انفعالی و مانند فرح و انفعال اسد است مگر این قدر که خشکی بسیار
زیاده از او است از خواص مرجان است که اگر بر اطفال بندند از [illegible] محفوظ مانند و فزع و خوف
که در خواب عارض میشود از ایشان دفع میکند و تعلیق او باعث ازاله اثر سحر و اگر مجاری معده

و اگر محاذی ... اطفال التعلیق نمایند تقویت معده نماید و اگر مصروع با خود نگاه دارد نافع بود و هر که بر گردن بیاویزد از
جمیع امراض ... را امان دهد و زمرد و مروارید فانوس ... بود و کثرت نظر بر جان تقویت بصر میکند و اگر زنان حامله
تعلیق نمایند موجب حفظ جنین و عدم اسقاط می شود فصل یاقوت تعلیق یاقوت بالخاصه مفرح و مقوی دل و
... شجاعت نهایت و معظم بودن در نظرها و تیسیر اسباب معاش و جهت دفع طاعون و وبا و تغیر هوا و دور کردن
صرع و خفقان و دفع الحماد ... بند نزف الدم و قطع رعاف و انگشتری او جهت قضای حاجات و دفع حزن
صاعقه و غرق و درد دندان ... او جهت دفع ... و ... و تقویت دل و زایل کردن غم و اندوه از
دل و بر افزودن حرارت غریزی و زیاده نمودن نشاط موثر و تفضیه ... می نماید تا بحدی که گفته اند که اگر بر مرده
بر بندند خون او در تن ... شود و سموم را ... بود و اکثر اطفال التعلیق نمایند ... تعلیق باشد
از ام الصبیان ایمن بود و تعلیق یاقوت بر حامله حافظ جنین و مانع اسقاط آن و اگر صاحب ورم تعلیق
نماید ورم را تحلیل کند از امام ضامن علیه السلام مرویست که انگشتری یاقوت در دست کند که پریشانی
زایل میکند ... یاقوت زرد رست او در تقویت دل و تفریح قوی تر از اصناف دیگر است و پوشیدن
انگشتری یاقوت زرد موجب تعلیل احتلام است و حضرت امام ضامن علیه السلام ... هر که انگشتری
یاقوت زرد در دست کند فقیر نشود فصل نیلم یاقوت کبود است در افعال و خواص مانند یا
یاقوت است فصل لشب در اکثر ... سرد ... خشک تعلیق او در گردن جهت ...
دفع نزف الدم و ... نافع و تعلیق او محاذی معده و درد دندان و رستن مقوی معده و
حافظ صحت است و ... و رفع امراض آن و مقوی باصره و ... برای عسر ولادت
در دست ... و جهت ... از مجادف و رفع اثر سحر و چشم بد و جزر صاعقه موثر و حاملان
انگشت احتلام محفوظ می مانند و در نظر مردم عزیز باشند و گویند چون قمر در برج ... باشد و آن
صورت ... کند تعلیق ... باطنی نافع است و بعضی در تاثیرات دیگر که مذکور شد
نقش صورت ... و ... مثقال بودن ... ۵ ۵
تمام شد رساله معرفت خواص جواهر

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی خلق الموت و الحیوة و ... الانسان بحکمة الممات و العودة ... هو الحی لا اله الا هو کل شیء هالک
الا وجهه تقدس و تعالی و الصلوة و السلام علی حبیبه محمد الذی اعطاه الله ... النبوة و خلفه ... لا ...